

مالیات بر ارزش افزوده و چالش تورم*

مقدمه

طی چند دهه اخیر، نظام مالیات بر ارزش افزوده، در بیش از نیمی از کشورهای جهان پیاده شده است. کشورهای که تاکنون این نظام مالیاتی را دنبال نکرده‌اند و یا آنهایی که با تأخیر به اجرای آن می‌پردازند؛ یک نگرانی داشته‌اند و آن موضوع افزایش سطح قیمت‌ها بعد از اعمال مالیات بر ارزش افزوده است. در این مقاله، سعی می‌شود این موضوع براساس تجربه سایر کشورها از ابعاد نظری و همچنین براساس تجربه، مورد بررسی قرار گیرد و راهکارهای اجرایی مناسبی، برای اجرای این نظام در ایران توصیه خواهد شد.

۱- تجربه برخی کشورها:

تحقیقات آلن تیت^(۱)، در مورد آثار تجربی پیاده کردن نظام مالیات بر ارزش

*- متن حاضر شکل نوشتاری شده سخنرانی آقای دکتر داود دانش جعفری؛ عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، در همایش مالیات بر ارزش افزوده است که توسط خود ایشان تهیه شده است.

1- Tait A.A. 1988

افزوده در ۳۵ کشور جهان با توجه به مسئله تورم، نشان می‌دهد:

۱- در ۲۹ مورد، هیچگونه افزایش تورمی، بعد از اجرای نظام مالیات بر ارزش افزوده مشاهده نشده است.

۲- در ۶ مورد افزایش تورم بعد از اعمال نظام مالیات بر ارزش افزوده مشهود بوده است. بنابراین با ادامه تحقیقات بیشتری تلاش شد تا دلیل اصلی تورم مشخص شود. نتیجه مطالعات نشان می‌داد که به غیر از یک مورد که تورم بوجود آمده ناشی از معرفی نظام مالیاتی جدید بوده، در بقیه موارد سیاستهای دیگری از جمله سیاستهای پولی در ایجاد تورم، مؤثر بوده و لذا ارتباطی بین تورم و نظام مالیات بر ارزش افزوده مشاهده نگردید.

۳- تأثیر مالیات بر ارزش افزوده به افزایش سطح قیمتها موقتی بوده و در کوتاهمدت؛ بین ۶ تا ۹ ماه از بین خواهد رفت. (جدول ۱- آثار تورمی اجرای مالیات بر ارزش افزوده در اندونزی و کره)

۴- در مواردی که انتظارات تورمی شدید است، اتخاذ سیاستهای تکمیلی زیر در کنترل تورم مؤثر می‌باشد:

۱- ۴) اطلاع‌رسانی و آماده‌سازی افکار عمومی

۲- ۴) کاهش انواع دیگر مالیات، همزمان با معرفی مالیات بر ارزش افزوده

۳- ۴) انتخاب زمان مناسب برای شروع نظام جدید مالیاتی، مثل اطمینان خاطر از عرضه کافی کالاها در شروع طرح

۴- ۴) اهداء اعتبار مالیاتی برای خرید کالاهای واسطه. در نظام مالیات بر

ارزش افزوده، تولیدکننده مجبور است قبل از فروش محصول، مالیات بر کالاهای واسطه‌ای را پرداخت نماید و این موضوع مشکلاتی را برای تولیدکننده بوجود می‌آورد. لذا در جهت ارائه تسهیلات بیشتر، تدابیری اتخاذ می‌شود و با دادن اعتبار مالیاتی مشکل تولیدکننده حل می‌شود.

جدول ۱- آثار تورمی اجرای مالیات بر ارزش افزوده در اندونزی - کره

کشور	سال اجرا	تورم قبل از اجرا (درصد)	تورم بعد از اجرا (درصد)	شرایط دیگر
اندونزی	آوریل ۱۹۸۵	۴/۴	۹/۱ (۱۹۸۶)	انتظارات تورمی مردم
			۹/۳ (۱۹۸۷)	زیاد بوده است. انبساط پولی صورت گرفته بود.
کره	ژوئیه ۱۹۷۷	۲/۲ (تورم در عمده فروشی)	۹/۰ (۱۹۷۷)	دولت برای کنترل قیمت
			۱۱/۶ (۱۹۷۸)	۲۵۱ قلم کالا، سقف قیمت مشخص و برای
			۱۱/۸ (۱۹۷۹)	قیمت ۸۵۱ قلم کالا، اطلاع رسانی فراوان انجام
			۱۰/۲ (۱۹۷۷)	داد، افزایش دستمزد در
			۱۴/۴ (۱۹۷۸)	این دوره شدید بوده و در
			۱۸/۳ (۱۹۷۹)	هزینه تمام شده کالا مؤثر بوده است.

۲- ابعاد نظری بحث مالیات

بطور کلی مالیات، نوعی سیاست انقباضی محسوب می‌شود که آثار آن در قالب کاهش مصرف و یا تقاضای کل نمایان می‌شود. اگر رابطه تقاضای کل در اقتصاد بصورت زیر باشد:

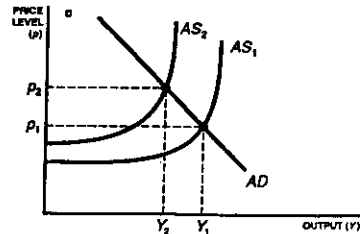
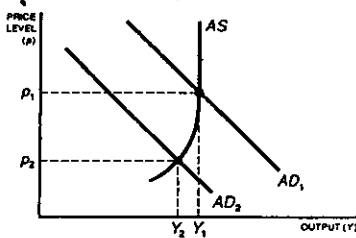
$$Y = (C - T) + I + G + (X-M)$$

Y: تقاضای کل C: مصرف کل T: مالیات

I: سرمایه‌گذاری G: مخارج دولت (X-M): خالص صادرات

بنابراین هر قدر مالیات بیشتر باشد، تقاضای کل کمتر می‌شود. از طرف دیگر،

بررسی کاهش تقاضای کل و تأثیر آن به سطح قیمت‌ها بصورت زیر است:



AS: عرضه کل اقتصاد

AD1: تقاضای کل اقتصاد

AD2: تقاضای کل بعد از اعمال مالیات

P1: سطح قیمتها قبل از مالیات

P2: سطح قیمتها بعد از اعمال مالیات

بنابراین، در چارچوب اقتصاد کلان، آثار اعمال مالیات (بیشتر) قاعدتاً در قالب کاهش سطح قیمتها نمایان می‌گردد. به عبارت دیگر، آثار آن ضدتورمی است، در حالیکه تلقی عمومی خلاف آن است. البته در شرایط کمبود عرضه کالا ممکن است آثار افزایش سطح قیمتها مشاهده شود. بنابراین اطمینان از موجودی کالاها و اینکه بطور کلی افزایش در عرضه کل، کمتر از افزایش تقاضای کل نباشد، نکته کلیدی مهمی برای آغاز طرح مالیاتی جدید است.

حال سؤالی که پیش می‌آید این است که افزایش تورم ناشی از چیست؟ پاسخ این است که افزایش حجم پول و یا سرعت گردش پول می‌تواند در افزایش سطح عمومی قیمتها نقش داشته باشد و بنابراین هرگونه سیاست ضدتورمی، باید در چارچوب سیاستهای پولی تعریف شود. ناگفته نماند از بعد نظری، معرفی مالیات بر ارزش افزوده، قیمت نسبی کالاها را تغییر می‌دهد. بخصوص اگر مالیات بر ارزش

افزوده بصورت چندنرخی اجرا شود، اما در سطح عمومی قیمت‌ها تأثیری ندارد. از طرف دیگر، اگر مالیات بر ارزش افزوده با یک نرخ، برای کلیه کالاها و خدمات اجرا شود و معافیت مالیاتی نیز وجود نداشته باشد، در این صورت سطح عمومی قیمت‌ها برای کوتاه‌مدت افزایش می‌یابد ولی قیمت‌های نسبی بدون تغییر خواهد بود. همچنین اگر مالیات بر ارزش افزوده به عنوان مالیاتی جدید به مجموعه مالیات‌های قبلی اضافه شود، احتمال افزایش سطح عمومی قیمت‌ها زیاد است، مگر اینکه همزمان از مالیات‌های دیگر و یا هزینه‌های تأمین اجتماعی، کاسته شود.

نکته دیگر اینکه در چارچوب اقتصاد کلان می‌توان گفت: که اگر افزایش درآمد مالیاتی منجر به کاهش کسری بودجه دولت شود و یا اینکه موجب کاهش تقاضای تسهیلات بانکی توسط دولت شود، این پدیده خود موجب کاهش نرخ تعادلی سود بانکی خواهد شد و آثار آن در قالب افزایش سرمایه‌گذاری و همچنین کاهش نرخ تورم متجلی می‌شود.

۳- چند توصیه اجرایی:

۱- ۳) اجرای موفق مالیات بر ارزش افزوده، دستاوردهای فراوانی دارد. در مرحله اول؛ کاهش فرار مالیاتی، درآمد قابل توجهی برای دولت فراهم می‌کند. در مرحله دوم؛ افزایش درآمد مالیاتی با توجه به افزایش پایه مالیاتی مطرح می‌شود. اما در عین حال اقدامات فراوانی در جهت برطرف کردن آثار سوء احتمالی اجرای این نوع مالیات باید به عمل آید.

۲- ۳) به نظر می‌رسد اجرای مالیات بر ارزش افزوده در سطح خرده‌فروشی به راحتی در ایران امکان‌پذیر نیست، بنابراین در مرحله اول محور توجه دولت به معافیت از واردات، تولیدات داخلی و نهایتاً عمده‌فروشی معطوف می‌گردد، ضمناً بخش خدمات نیز مستثنی شود.

۳- ۳) با توجه به اینکه درآمد مالیات بر فروش در ایران قابل توجه نیست، نرخ

مالیات بر ارزش افزوده، به عنوان جایگزین مالیات بر فروش نباید در ابتدا بالا باشد. همچنین تعداد زیاد نرخها اجرای آن را با مشکل روبرو می‌نماید. نرخ ۱۰ درصد، به‌عنوان نرخ عمومی پیشنهاد می‌شود که در مجموع، مراحل مورد اشاره در بند ۲ وصول می‌شود. از کالاهای لوکس نیز متناسب با کاهش درآمدی آن، مالیات مکمل نرخ عمومی دریافت شود. همچنین امکان معافیت مالیاتی (نرخ صفر) پیش‌بینی شود.

۴- نتیجه‌گیری

بررسی عملکرد نظام مالیاتی کشور نشان می‌دهد که در حال حاضر $\frac{1}{3}$ بودجه عمومی کشور از طریق مالیات تأمین می‌شود و نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی کشور نیز، هیچگاه از $\frac{7}{5}$ درصد فراتر نرفته است.

از طرفی، بررسی وضعیت کاهش درآمدی نظام مالیاتی کشور نیز، نشان می‌دهد که این ضریب در ایران کمتر از یک بوده و بنابراین نظام مالیاتی درجه و نقش چندانی در توزیع درآمد و ثروت که از اهداف پایه‌ای هر نظام مالیاتی است، ندارد! عدم شناخت مؤدیان، مستند نبودن میزان درآمدها، فرار مالیاتی، عدم امکان مبادله کامل اطلاعات و نبود نظام نظارت و پیگیری برای اخذ اطلاعات و طولانی بودن فرایند اخذ مالیات نیز مشکلات دیگر نظام مالیاتی موجود است که در مجموع حاکی از ناکارایی آن است و تجدیدنظر در آن را طلب می‌کند.

بررسی نظام مالیات بر ارزش افزوده، که طی دهه‌های اخیر در بسیاری از کشورهای پیشرفته و حتی جهان سوم به اجرا درآمده، بیانگر آن است که انتخاب این نظام برای ایران؛ می‌تواند پاسخگویی بسیاری از مشکلات موجود باشد. زیرا خاصیت درآمدزایی بالایی دارد و براساس مطالعات صورت گرفته در کشورهای مختلف، بطور متوسط ۵ تا ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی را شامل می‌شود. لذا در یک ارزیابی مقدماتی می‌توان درآمد مالیاتی کشور را دو برابر نمود. خنثی نمودن این نظام مالیاتی و تأثیر نپذیرفتن آن از معافیتهای مالیاتی موجود که از عمده مشکلات نظام موجود

است نیز، جاذبه ویژه‌ای در این نظام مالیاتی جدید بوجود آورد. انعطاف‌پذیری نظام مالیات بر ارزش افزوده، که در شرایط رونق با افزایش تولید درآمد مالیاتها نیز افزایش می‌یابد و در شرایط رکود، به تناسب کاهش تولید درآمد مالیات نیز کاهش می‌یابد، می‌تواند در شرایط ویژه اقتصادی کشور فوق‌العاده سودمند باشد.

از طرف دیگر، با پیشرفتهای اخیر که در نظام مالیات بر ارزش افزوده در جهان صورت گرفته، به دو مشکل اساسی این نظام که از ابتدای طرح نظریه آن مطرح بوده، نیز پاسخ گفته شده و لذا مقبولیت آن گسترش پیدا کرده‌است:

مشکل اول اینکه آیا با اجرای نظام مالیات بر ارزش افزوده تورم افزایش می‌یابد؟ تجارب برخی از کشورها بیانگر این واقعیت است که افزایش سطح قیمت‌ها فقط در ماههای اول اجرا مشاهده می‌شود و در بلندمدت تأثیر چندانی بر تورم ندارد. آنچه که در مورد این نظام مالیاتی روشن است، تأثیر آن بر قیمت‌های نسبی است؛ مشروط بر اینکه سیاست‌های پولی مثل حجم پول و یا سرعت گردش پول، همچنین سیاست‌های مالی؛ مثل سیاست مربوط به مالیات‌های موجود و چگونگی مخارج دولت و یا سیاست‌های دستمزد، حساب شده بکار گرفته شود، در کنار آن سیاست‌های طراحی شده در مورد عرضه کل، مجموعاً می‌تواند شرایطی را ایجاد کند که نگرانی از افزایش تورم را برطرف سازد.

البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که بطور معمول کشورها در آغاز اجرای طرح مالیات بر ارزش افزوده، کلیه کالاها و خدمات را مشمول طرح نمی‌نمایند. در چنین شرایطی، فرصت خوبی برای بعضی از سودجویان بوجود می‌آید تا با توجه به انتظارات تورمی، افزایش قیمت را، به کالاهای غیرمشمول طرح نیز تسری دهند. بنابراین، نظارت کافی در این رابطه، می‌تواند کاملاً مؤثر باشد تا از دامن زدن به تورم جلوگیری کند.

مشکل دوم قابلیت اجرای این نظام در کشورهای جهان سوم بوده که همواره مورد سؤال واقع می‌شود، در این رابطه با توجه به تجارب ارزشمندی که در کره، هند،

Archive of SID

اندونزی، ترکیه، تونس و... به عمل آمده، می‌توان گفت: که مشکلات خاصی برای اجرای این نظام در کشورهای جهان سوم وجود ندارد و حتی مشکل جمع‌آوری مالیات در سطح خرده‌فروشی نیز، با انتقال سهم آن به عمده‌فروش و سطوح میانی به راحتی مرتفع شده‌است.

در مجموع به نظر می‌رسد با اجرای نظام مالیاتی جدید، بسیاری از مشکلات موجود نظام مالیاتی کشور مرتفع می‌شود. برای کاهش مشکلات اجرایی، لازم است در ابعاد مختلف بررسی‌هایی اجرایی آغاز شود. شناخت بخش‌های متعدد و بخش‌هایی که محدودیت دارند، تعیین نرخ مالیات، تعیین کالاهای مشمول مالیات و کالاهایی که باید معاف شوند، ویژگی‌های خاص ایران از نظر خدمات پزشکی، حمل و نقل، مؤسسات غیرانتفاعی، اصناف کوچک، کالاهای تولیدی دولتی، ایجاد سازمان اجرایی مناسب و ارتقاء فرهنگ عمومی در زمینه مالیات بر ارزش افزوده و... از جمله نکاتی است که در این راستا، باید مورد توجه قرار گیرد.

- 1- R.Bird and M.Janstcher, Improving Tax Administration, in Developing Countries. 1992,IMF.
- 2- Working Paper series, Did VAT Changes Redistribute Purchasing Power In Italy? University of Rome I "La Sapienza", Paolo Liberati, 2000.
- 3- Sijbren Cnossen etal, Tax Policy in Developing Countries, a World Bank Symposium, 1991.
- 4- A.A.Tait, International Practice and Problems. IMF, Value Added Tax: Administrative Policy Issues IMF, 1988, Washington DC.
- 5- A.A.Tiat, Value Added Tax: Administrative Policy Issues IMF, Washington DC, 1991.